



RESEARCH ARTICLE

## Differential Criminal Policy About Children & Adolescents

**Abbas Shiri**

Associate Professor of Criminal Law & Criminology, University of Tehran, Tehran, Iran

Corresponding Author's Email: [Ashiri@ut.ac.ir](mailto:Ashiri@ut.ac.ir)

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.89544>

Received: 17 May 2022  
Accepted: 28 August 2022

### ABSTRACT

The special situation of children & adolescents requires the adoption of differential criminal policy, different from adult delinquency. Punitive reactions & judicial systems for adults are inappropriate for children & adolescents & reduce the possibility of recidivism in children & adolescents & become the cause of secondary deviation & repeat crime in them. For this reason, differential criminal policy regarding children & adolescents becomes necessary & requires special characteristics, including; It is supportive & friendly & focuses on informal methods. For this reason, decriminalization, decriminalization & decriminalization are among the priorities of different criminal policy making about them. Also, according to their ages, criminal responsibility should be graded & a non-punitive response should be considered accordingly & custodial & corporal punishments should be avoided as much as possible.

**Keywords:** Children, Adolescents, Informal Justice, Differential Criminal Policy, Personality, Diversion, Depenalisation, Decriminalization.





مقاله پژوهشی

## سیاست‌گذاری جنایی افتراقی درباره اطفال و نوجوانان

عباس شیری

دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

\* رایانامه نویسنده مسئول: Ashiri@ut.ac.ir

doi <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.89544>

تاریخ دریافت: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱  
تاریخ پذیرش: ۶ شهریور ۱۴۰۱

### چکیده

وضعیت ویژه اطفال و نوجوانان، مستلزم اتخاذ سیاست‌گذاری جنایی افتراقی، متمایز از بزهکاری بزرگسالان است. واکنش‌های تنبیهی و نظام‌های دادرسی ویژه بزرگسالان، برای اطفال و نوجوانان نامناسب می‌باشد و احتمال بازپذیری در اطفال و نوجوانان را کاهش داده و عامل انحراف ثانویه و تکرار جرم در آن‌ها می‌شود. بدین جهت، سیاست‌گذاری جنایی افتراقی در مورد اطفال و نوجوانان ضرورت می‌یابد و مستلزم ویژگی‌های خاص از جمله حمایتی و ارفاقی بودن می‌باشد و بر روش‌های غیر رسمی تمرکز دارد. به همین جهت، کیفرزدایی، قضایی‌زدایی و جرم‌زدایی اولویت‌های سیاست‌گذاری جنایی افتراقی درباره آن‌هاست. هم‌چنین، لازم است، با توجه به دوره‌های سنی آنان، مسئولیت کیفری، درجه‌بندی شده و متناسب با آن واکنش غیرتنبیهی در نظر گرفته شود و از اعمال مجازات‌های سالب آزادی و بدنی در باره آنان تا حد امکان خودداری شود.

واژگان کلیدی: اطفال، نوجوانان، پلیس، دادرسی غیررسمی، سیاست‌گذاری جنایی افتراقی، قضازدایی.

## مقدمه

سن، شخصیت و سابقه بزهکار، معیارهای مهم در ارتکاب جرم محسوب می‌شوند که نظام‌های عدالت کیفری، براساس این معیارها، به طبقه‌بندی بزهکاران پرداخته و بر این اساس، ساختارهای حقوق ماهوی و شکلی را بنیان نهاده‌اند. بدین توضیح که معیارها و استانداردهای در نظر گرفته شده برای تبیین علت بزهکاری، گونه‌شناسی جرایم، شرایط مسئولیت کیفری و نحوه رسیدگی به رفتارهای ارتكابی بزرگسالان از نوجوانان متمایز و متفاوت می‌باشد. اصولاً نمی‌توان همان قواعدی را که درباره بزرگسالان به کار گرفته می‌شود، برای اطفال و نوجوانان در نظر گرفت. بدین ترتیب منظور از افتراقی‌سازی، تفکیک مبانی نظری، ماهوی، راه‌کارهای عملی و مقررات شکلی درباره پدیده بزهکاری براساس معیارهای سن، شخصیت، سابقه کیفری و موقعیت بزهکاران و بزه‌دیدگان است. بدین ترتیب براساس هر کدام از معیارهای مذکور، محتوای متفاوتی در حوزه سیاست‌گذاری جنایی ایجاد می‌شود. ابتدا این تحول در حوزه سیاست جنایی آغاز گردید: «افتراقی‌سازی، لایه‌بندی یا طبقه‌بندی‌سازی سیاست جنایی، به عنوان یک راهبرد جدید، در واقع در ربع آخر سده بیستم وارد مطالعات سیاست جنایی شد» (Najafi Abrandabadi, 2021: 54). رفته رفته، افتراقی‌سازی به حوزه سیاست‌گذاری جنایی سوق داده شد. سیاست‌گذاری جنایی، شاخه‌ای از سیاست‌گذاری عمومی و دارای ویژگی‌های آن است. سیاست‌گذاری جنایی، اشاره به تدابیر و راه‌کارهایی درباره پدیده بزهکاری است که به صورت الزام‌آور اتخاذ می‌شود. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های جنایی مبتنی بر اسناد بالا دستی و قانون است. به دلیل این ویژگی، سیاست‌گذاری جنایی از سیاست جنایی متمایز می‌گردد. به عبارت دیگر، در صورت وجود انسجام کافی در امر قانونگذاری و نظارت نهادی ناظر، سیاست جنایی، برون داد سیاست‌گذاری جنایی خواهد بود و گرنه، سیاست جنایی، نامنظم، متناقض و حتی معارض سیاست‌گذاری جنایی شکل خواهد گرفت. به همین جهت مباحث مرتبط با سیاست‌گذاری جنایی مقدم بر سیاست جنایی است. بدین ترتیب، موضوع مشترک بین آن‌ها یعنی پدیده بزهکاری، مستلزم بحث در سیاست‌گذاری جنایی و متعاقباً سیاست جنایی است. وجه دیگر تمایز سیاست‌گذاری جنایی از سیاست جنایی، ناظر به کلان بودن سیاست‌های مرتبط با پدیده بزهکاری، آسیب‌های اجتماعی و نظام عدالت کیفری است. به همین جهت اسناد بالا دستی نظیر قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، برنامه‌های توسعه پنج ساله و قوانین بودجه سنواتی در خصوص سیاست‌گذاری جنایی افتراقی درباره اطفال و نوجوانان و قوانین جزایی مرتبط، مورد بحث قرار می‌گیرد. بررسی سوابق تاریخی نشان می‌دهد که در حقوق کیفری ایران، قانون مجازات عمومی (1925)، سیاست‌های افتراقی را در مورد بزهکاری اطفال مورد توجه قرار داد. متعاقباً قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال مصوب ۱۳۳۸، سیاست افتراقی‌سازی را توسعه داد. قوانین جزایی پس از پیروزی انقلاب، براساس معیار بلوغ جنسی، طبقه‌بندی و افتراقی‌سازی را کنار گذاشت؛ ولی با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (1999) مجدداً افتراقی‌سازی مورد توجه قرار گرفت. متعاقباً با تصویب قانون مجازات اسلامی (2013) و قانون آیین دادرسی کیفری (2013 amendments & 2015)، به طور گسترده‌ای افتراقی‌سازی جرایم اطفال و نوجوانان از بزرگسالان پذیرفته شد. بدین ترتیب، افراد

۱. در خصوص بزرگسالان و نوجوانان، نوع دیگری از افتراقی‌سازی هم مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفته است. نمی‌توان بزرگسالان و نوجوانان را نیز، تحت رژیم حقوقی واحدی از نظر شکلی و ماهوی قرار داد. مثلاً کسانی که مرتکب تکرار جرم می‌شوند و بزهکاری را به عنوان شغل و حرفه خود قرار می‌دهند، با بزهکاران اتفاقی و هیجانی در یک طبقه قرار نمی‌گیرند. برای بحث در باره تکرار جرم، رجوع نمایید: Shiri, Abbas: Repetition of the crime, in the dynamic criminal law, pages 130-156, first edition, Mizan Press 2022 [in Persian].

۲. وزیر وقت دادگستری ایتالیا، آقای ریو زاگاری، با همکاری مؤسسه تحقیقات دفاع اجتماعی سازمان ملل، همایشی با عنوان «گردهمایی مطالعه مسائل و دور نمای راهبرد افتراقی در قلمرو سیاست جنایی» را در فوریه ۱۹۷۴ برابر با ۱۳۵۳، در رم برگزار کرد. جمع‌بندی عمده نشست‌های این همایش بین‌المللی این بود که عصر برخورد یکسان با بزهکاری به سر آمده است و با متنوع شدن جرایم، بزهکاران و بزه‌دیدگان، از نظر گونه‌شناسی، باید متنوع کردن راهبردها و پاسخ‌های حقوق کیفری و به‌طور کلی سیاست جنایی را نیز بررسی کرد. Lazerges, Christine: Introduction a la politique criminelle, translated by Dr. Ali Hossein Najafi Abrandabadi, p. 54.

۳. برای بحث بیشتر درباره تفاوت سیاست جنایی و سیاست‌گذاری جنایی رجوع نمایید: Shiri, Abbas: Criminal policy, about the rights of the victims, Public Policy Quarterly, No. 1, pages 156 to 170.

۴. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۵۵ مصوبه درخصوص تعیین سیاست‌های کلی نظام درباره موضوعات مختلف داشته است. ولی، مستقلاً هیچ مصوبه‌ای را به سیاست‌گذاری جنایی افتراقی اختصاص نداده است. برای آگاهی از این مصوبات به سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام به آدرس Maslahat.ir رجوع نمایید.

۵. «آگاهی رسیدگی به جرم‌های ارتکاب یافته از سوی این دسته در چارچوب دادگاه‌های عمومی ویژه اطفال بزهکار، نا آشکار بودن دادرسی کیفری مربوط به این مجرمان، پذیرش رسیدگی کیفری بدون حضور داشتن کودکان و نوجوانان بزهکار و استفاده از مقام‌های قضایی برخوردار از شرایط خاص برای این رسیدگی از نمونه‌های برجسته‌شناسی راهبرد افتراقی‌سازی در آن قانون بودند.»

(Khawaja Nouri, Yasman: Criminal policy regarding delinquent children & teenagers, page 613, in: Legal policy encyclopedia by Laia Junidi & Amirhasan Niazpour, Publishing Department of the Compilation, Revising & Publishing of Laws & Regulations, First Edition, autumn 2019)

کمتر از ۱۸ سال مشمول سیاستگذاری جنایی مستقل و مجزایی از بزرگسالان قرار گرفتند. افراد به دو گروه سنی ۹ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمس تقسیم و با توجه با نوع جرم ارتكابی، مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی یا مجازات با رعایت قواعد ارفاقی قرار گرفتند. سیاستگذاری جنایی افتراقی دربارهٔ اطفال و نوجوانان، متضمن قواعد ارفاقی متناسب با شخصیت آنان در قوانین مذکور پیش‌بینی گردیده است. این قواعد، به تفکیک در امور شکلی و ماهوی در دو بند مورد بحث قرار می‌گیرد.

### الف - سیاستگذاری جنایی افتراقی شکلی

سیاستگذاری جنایی افتراقی شکلی، شامل ۵ مرحله و ناظر به مراحل پلیسی، تعقیب و تحقیق، دادرسی، تعیین و اجرای مجازات است. از زمانی که طفل یا نوجوان به علت ارتكاب جرم، تحت تعقیب قرار گرفته و تحقیق دربارهٔ آن‌ها آغاز می‌شود تا زمانی که به دادسرا یا دادگاه اعزام می‌شود و اقدامات قضایی دربارهٔ اتهام وی پیگیری می‌شود، سیاستگذاری جنایی افتراقی با رویکردی ارفاقی دربارهٔ آنان اعمال می‌شود. در قوانین بالادستی در این باره تاکنون بذل توجهی مبذول نگردیده است ولی، تحولات قانونی تحت تأثیر اسناد بین‌المللی و پژوهش‌های علمی صورت گرفته در پلیس، قوه قضاییه و دانشگاه‌ها موجب گردید که قانون آیین دادرسی کیفری (۲۰۱۳) اهتمام ویژه‌ای در این باره مبذول دارد. اهم مباحث مرتبط با سیاستگذاری جنایی افتراقی در بندهای بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد.

### مرحله پلیسی

مرحله پلیسی ناظر به اقدامات پلیس و سایر ضابطان دادگستری در کشف جرم، جمع‌آوری و حفظ آثار و دلایل جرم، دریافت شکایت بزه‌دیده و ارجاع به مرجع قضایی، جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم، ابلاغ اوراق قضایی و اجرای دستورات مقام‌های قضایی و حفاظت از بزه‌دیده است. سیاستگذاری جنایی افتراقی مستلزم وجود پلیس ویژهٔ اطفال و نوجوانان است. به همین جهت، تشکیل نیروی مستقل پلیس دربارهٔ اطفال و نوجوانان در دستور کار نظام‌های عدالت کیفری قرار گرفته است. بند ۱۲-۱ از مادهٔ ۱۴ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) مقرر می‌دارد: «به منظور انجام بهینهٔ وظایف خود، مأموران انتظامی (ضابطان) که غالباً یا منحصراً در رابطه با نوجوانان فعالیت نموده یا عمدتاً در امر پیشگیری از جرایم نوجوانان اشتغال دارند، تعلیمات و آموزش ویژه دریافت خواهند داشت. در شهرهای بزرگ، واحدهای ویژه پلیس باید بدین منظور تشکیل گردد». مادهٔ ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۲۰۱۳) در همین راستا مقرر می‌دارد: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان درمورد اطفال و نوجوانان پلیس ویژهٔ اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رییس قوهٔ قضاییه تهیه می‌شود». در مقدمهٔ توجیهی لایحه تشکیل پلیس ویژهٔ اطفال و نوجوانان آمده است: «با توجه به ویژگی‌های روحی و صمیمی کودکان و نوجوانان و ضرورت پلیسی‌گری افتراقی با استفاده از روش‌های غیر قضایی و ترمیمی در مواجهه با بزه‌کاری و بزه‌دیدگی و در اجرای مادهٔ ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحات بعدی آن، لایحه زیر با هدف تعیین سازوکار و حدود

۱. طبق مادهٔ یک کنوانسیون حقوق کودک (Convention on the Rights at Children, 1989)، هرکس که به سن هجده سال رسیده باشد، کودک محسوب می‌شود. در اسفندماه ۱۳۷۲، این کنوانسیون به طور مشروط توسط ایران پذیرفته شد و رفته‌رفته بر سیاستگذاری جنایی دربارهٔ اطفال و نوجوانان تأثیر گذاشت. طبق مادهٔ ۲ کنوانسیون مذکور: «کشورهای طرف کنوانسیون، حقوقی را که در این کنوانسیون در نظر گرفته شده است، برای تمام کودکانی که در حوزهٔ قضایی آن‌ها زندگی می‌کنند، بدون هیچ تبعیضی از نظر نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی، ملیت، جایگاه قومی و اجتماعی، مالی، عدم توانایی، تولد و یا سایر احوال شخصی والدین و یا قیم قانونی محترم شمرده و تضمین خواهد نمود.»  
متعاقباً قوانین متعددی در ایران، از مفاد کنوانسیون مذکور و سایر اسناد بین‌المللی تأثیر پذیرفت و جلوه‌هایی از سیاستگذاری جنایی افتراقی را پذیرفت که در جای خود، در متن به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۲. دربارهٔ ضرورت و اهمیت این مرحله رجوع نمایید:

Shiri, Abbas: The rights & needs of the victim in the police phase, Quarterly of Police Knowledge Research, pages 191-219, year 20, number 2, summer 2018 [in Persian].

هم‌چنین رجوع نمایید:

Code of Conduct for Law Enforcement officials, G.A.res. 34/169, annex, 34, U.N GAOR SUPP (46) at 186, U.N. A/34/464. (1979)

۳. سند مذکور معروف به مقررات بیجینگ (پکن) در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ به موجب قطعنامهٔ ۴۰/۳۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

صلاحیت پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، برای انجام تشریفات قانونی مربوط تقدیم می‌شود...<sup>۱</sup> لایحه مذکور براساس سیاستگذاری جنایی افتراقی، با در نظر گرفتن اسناد بین‌المللی مرتبط با اطفال و نوجوانان و ویژگی‌های آنان، تنظیم یافته و در صورت تصویب تحول مهمی در این راستا محسوب می‌شود. ضمن اینکه در جهت تحقق بند ۲-ج ماده ۲۱۱ قانون پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰): «تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضایی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصصی آنان در پایان سال اول برنامه» می‌باشد که متأسفانه، تا کنون محقق نشده است. پلیس پیشانی نظام عدالت کیفری است و اولین مواجهه اطفال و نوجوانان در فرآیند کیفری با پلیس است به همین جهت لازم است، پلیس مهارت‌های لازم را در هنگام رو در رویی با آنان داشته باشد و از آموزش‌های کافی در این زمینه برخوردار باشد. به همین جهت در اکثر کشورها، پلیس ویژه اطفال وجود دارد.<sup>۲</sup>

### مرحله تحقیق و تعقیب<sup>۳</sup>

«منظور از مرحله تحقیق و تعقیب، مجموعه اقدام‌هایی است که توسط مقام‌های قضایی، برای رسیدگی به شکایت بزه‌دیده، کشف جرم، تعقیب متهم، اخذ تأمین متناسب، جمع‌آوری و حفظ دلایل و آثار جرم، قبل از آغاز فرآیند محاکمه و دادرسی انجام می‌شود» (Shiri, 2013: 48). در این مرحله، فرض بی‌گناهی متهم، به عنوان یکی از اصول مهم دادرسی عادلانه اعمال می‌گردد. به همین جهت صدور قرار بازداشت، جز در موارد خاص و وجود نص صریح قانونی مجاز نیست. در بند ۳-ت ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵/۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی، بر همین اساس آمده است: «... قضات با لحاظ ظرفیت اعلام شده و تناسب قرار تأمین، از صدور قرار تأمین منتهی به بازداشت و یا احکام حبس جز در موارد ضروری به موجب قوانین مربوط خودداری ... خواهند نمود»؛<sup>۴</sup> ویژگی‌های خاص اطفال و نوجوانان، اهمیت اصل فرض بی‌گناهی متهم را دوچندان می‌کند. زیرا آنان هنوز به اندازه کافی قدرت درک زشتی درک رفتارهای بزهکارانه را ندارند و از سرزنش‌پذیری کافی برای مسئول شناختن آنان برخوردار نیستند. لذا، با توجه به شخصیت آنان، فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری یک اصل مهم سیاستگذاری جنایی افتراقی درباره آن‌هاست: «سیاستگذاری جنایی با شناسایی این اصل که برآمده از آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی است، لحاظ خصیصه‌های کودکان و نوجوانان متهم و شرایط بزه‌دیدگان در هنگام رسیدگی‌های پیش‌دادرسی؛ به ویژه گزینش قرارهای تأمین کیفری را ضروری به شمار آورده‌اند» (Niazpour, 2016: 21). توجه به اسناد بین‌المللی در این خصوص ضروری است. طبق بند ب ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک: «هیچ کودکی به طور غیرقانونی یا خودسرانه از آزادی محروم نشود، دستگیری، بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق قانون و تنها به عنوان آخرین راه چاره و در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت پذیرد» و براساس بند پ ماده یاد شده کودک محروم از آزادی باید از بزرگسالان جدا شود. بند ۱-۱۳ قطع‌نامه، از ماده ۱۵ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) مقرر می‌دارد: «بازداشت موقت فقط به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن به کار گرفته خواهد شد».<sup>۵</sup> در بند ۲-۱۳ قطع‌نامه مذکور

۱. لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان طی نامه شماره ۱۹۳۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۶، در اجرای ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به مجلس ارسال گردید. لایحه مذکور مشتمل بر ۴۹ ماده و چند تبصره می‌باشد. برای مطالعه بیشتر در رابطه با پلیس اطفال رجوع نمایید:

Koshki, Gholam Hassan: Special police for children & teenagers (necessities & functions), first edition, Judiciary Press & Publishing Center, 2015 [in Persian].

۲. برای آگاهی در این باره رجوع نمایید:

Barani, Mohammad: Investigation of the role of police authorities & behavior in the special judgment of children & adolescents, Journal of Police Science, year 21, number 1, pages 1 to 28, spring 2019, pp. 8-11 [in Persian].

۳. برای آگاهی از مرحله تحقیق و تعقیب، رجوع نمایید:

Shiri, Abbas: Treating the victim with dignity, granting authority during the investigation & prosecution stage, in: Criminal Science initiatives, book one, under the supervision of Ali Hossein Najafi Abrandabadi, pages 437-464, second edition, autumn 2013, Mizan Press [in Persian].

۴. قانون مذکور با اصلاح مواردی در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

۵. طبق بند ۴-۱۳ قطع‌نامه مذکور: «نوجوان تحت بازداشت موقت جدا از بزرگسالان نگهداری شده در بازداشتگاه جداگانه یا در بازداشتگاه‌های بزرگسالان در قسمتی مجزا نگهداری خواهند شد».

United Nations Standard Minimum Rules for the Administration Juvenile Justice, 1985 (The Beijing of Juvenile Rules)

آمده است: «در موارد امکان، اقدامات جایگزین، از قبیل نظارت مستقیم، مراقبت دقیق یا نگهداری در یک خانواده یا محیط آموزشی یا خانه، به جای بازداشت موقت به کار گرفته خواهد شد». ماده ۱۷ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی در این باره مقرر می‌دارد: «نوجوانان تحت توقیف یا در انتظار محاکمه بی‌گناه فرض می‌شوند و باید با آنان بدین عنوان رفتار شود. در حد امکان باید از بازداشت پیش از محاکمه احتراز شود و بازداشت به شرایط استثنایی محدود گردد. با این حال، در موارد بازداشت احتیاطی، دادگاه‌های نوجوانان و مراجع تحقیق باید به منظور حصول اطمینان از کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن بازداشت، برترین اولویت را برای رسیدگی هرچه سریع‌تر به این گونه دعوی قائل گردند. بازداشت‌شدگان محاکمه نشده باید جدا از نوجوانان محکوم شده نگهداری شوند»<sup>۱</sup>. در حقوق کیفری ایران، اماره بی‌گناهی پذیرفته شده است و طبق ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۲۰۱۳) صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرایم خاص پیش‌بینی شده در ماده مذکور. سیاست‌گذاری جنایی افتراقی در باره اطفال و نوجوانان در ماده ۲۸۷ قانون یاد شده پیش‌بینی شده است. طبق ماده یاد شده، صدور قرار بازداشت موقت، در مورد افراد تا ۱۵ سال، هر گونه قرار برای متهم مطلقاً ممنوع است. در جریان تحقیقات مقدماتی، دادگاه باید، متهم را به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، بسپارد. در خصوص اطفال بالای ۱۵ سال و جرایم پیش‌بینی شده در ماده ۲۳۷ قانون یاد شده، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده ۲۳۸ همان قانون، قرار نگهداری موقت آنان را در قانون اصلاح و تربیت صادر کند. صدور قرار نگهداری آنان، در صورت عجز از معرفی کفیل یا ابداع وثیقه در جرایم خاص پیش‌بینی شده در ماده ۲۳۷ قانون یاد شده، با رعایت ماده ۲۳۸ همان قانون، امکان‌پذیر و در غیر آن ممنوع است. عبارت صدر ماده مذکور، نوعی پاسخ مشارکتی و مدنی در فرآیند تحقیقات مقدماتی است تا با مشارکت خانواده و اعضای جامعه مدنی، امکان حضور طفل یا نوجوان که متهم به جرمی شده است، در دادگاه فراهم گردد.<sup>۲</sup> در تبصره ماده ۲۸۷ یاد شده آمده است: «قرار نگهداری موقت تابع کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت است».

### مرحله دادرسی

فرآیند دادرسی، آنی نیست بلکه فرآیندی مستمر است و در مدت زمانی مشخص طی می‌شود که البته ممکن است سریع و معقول یا طولانی و غیرمعقول باشد. از زمان ارسال پرونده به دادگاه این فرآیند آغاز می‌شود و تا زمان صدور حکم، قطعیت آن و تا مرحله اجراء ادامه می‌یابد. حقوق سیاست‌گذاری جنایی افتراقی در مرحله دادرسی، مستلزم تشکیل دادگاه‌های تخصصی، متناسب با وضعیت و شخصیت اطفال و نوجوانان است. در بند ۴ سیاست‌های کلی نظام - بخش امنیت قضایی آمده است: «تخصصی کردن رسیدگی به دعوی در سطوح مورد نیاز».<sup>۳</sup> در بند ۹ سیاست کلی قضایی پنج ساله ابلاغی (۱۳۸۸/۹/۲۰) آمده است: «اهتمام به تشکیل دادگاه‌های تخصصی» در راستای تحقق سیاست کلی مذکور، دادگاه‌های ویژه اطفال مورد توجه قرار گرفت. ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) مقرر می‌دارد: «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک

۱. مقررات مذکور طی قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۳ در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این مقررات مشتمل بر ۸۷ ماده است که با هدف حمایت از حقوق، ایمنی و سلامت جسمی نوجوانان تنظیم شده و متضمن قواعدی برای حفاظت از نوجوانان کمتر از ۱۸ سال که از آزادی محروم می‌شوند، تنظیم و به تصویب رسیده و به مقررات پکن معروف شده است.

United Nations Rules for the Protection of Juveniles Deprived of their Liberty (JDLs): resolution/adopted by the General Assembly, 45/113, 1990.

۲. طبق تبصره یک ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مزبور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد.» تبصره فوق خلاف قواعد دادرسی است. زیرا مقام تحقیق و رسیدگی کننده یک نفر است. به همین جهت ماده ۴۹ لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نسخ آن را پیشنهاد داده است.

۳. «سیاست‌گذاران جنایی ایران با وجود واقعیت‌های علمی ناظر به افتراقی سازی آیین دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان، همچنان در جداسازی تشکیلات عدالت کیفری رسیدگی کننده، به جرایم این دسته تردید دارند.» (نیازپور، امیرحسین: افتراقی شدن مراجع رسیدگی کننده به جرایم کودکان و نوجوانان در قلمرو سیاست کیفری ایران، مندرج در کتاب: Criminal policy of victim & delinquent children & Youth who, pages 257-258.

۴. برای بحث بیشتر درباره مرحله دادرسی رجوع نمایید:

Shiri, Abbas: Treating the victim with dignity during the trial stage, pp. 257-258

۵. سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸، که در روزنامه رسمی شماره ۱۷۰۲-۱۳۸۲/۵/۴ درج گردیده و مجدداً همان متن با عنوان سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی در روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۵، مورخ ۱۳۸۵/۹/۵ نیز درج گردیده است.



قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاور، مشورتی است. تبصره - در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود...» ماده ۳۰۴ قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود...»<sup>۱</sup> قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان، باید دوره آموزشی لازم را طی کرده و حداقل ۵ سال سابقه کار قضایی، متأهل و ترجیحاً دارای فرزند باشند. حضور مشاور در دادگاه اطفال الزامی است، هر چند نظر مشاور، جنبه مشورتی دارد. طبق ماده ۴۱۰ قانون یاد شده: «مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسایل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند»<sup>۲</sup>. ویژگی خاص اطفال و نوجوانان، اقتضاء می‌کند که برای رسیدگی به اتهامات آنان، پرونده شخصیت درباره آنان تشکیل گردد. سیاستگذاری جنایی افتراقی، مستلزم تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان بزهکار در کلیه جرایم است. نظریه شخصیت (Personality theory) نوعاً برای ارجاع برای مجموعه‌ای نسبتاً ثابت از ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری قابل تمایز، در نظر آورده می‌شود. در واقع ترکیبی از چنین ویژگی‌هایی است که گونه‌ای خاص از شخصیت را تعریف می‌کند.<sup>۳</sup> (SAGE Dictionary of criminology, p.534, ۲۰۱۹)

(2019). بین ارتکاب جرم و شخصیت رابطه وجود دارد. به همین جهت برای شناخت پاسخ مناسب به جرم، شناخت شخصیت از اهمیت خاصی برخوردار است. در خصوص کودکان و نوجوانان که هنوز در مراحل تکوین و شکل‌گیری شخصیت قرار دارند، اهمیت این موضوع دوچندان می‌شود. چون می‌توان با اعمال روش‌های درمانی، آموزشی و تربیتی، به شکل‌گیری صحیح شخصیت آنان اقدام نمود و بیماری‌های آنان را درمان کرد. «اصل فردی کردن» حقوق کیفری، توجه به ویژگی‌های شخصیت مرتکب در تعیین واکنش مناسب را توجیه می‌کند. به همین جهت ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۲۰۱۳) بازپرس را مکلف نموده است که در جرایم درجه چهار و بالاتر و در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است، در حین انجام تحقیق، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را صادر و مراتب را به واحد مددکاری اجتماعی اعلام نماید. متعاقباً ماده ۲۸۶ قانون یاد شده (اصلاحی ۱۳۹۴/۲/۲۴) مقرر می‌دارد: «علاوه بر موارد مذکور (ماده ۲۰۳) این قانون، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است». بدین ترتیب در جرایم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان اعم از حدود، قصاص، تعزیرات درجه یک تا شش، تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی و دادگاه الزامی است. در بند پ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم<sup>۴</sup> درباره تعریف پرونده شخصیت آمده است: «پرونده‌ای مشتمل بر اطلاعات شخصی متهم از قبیل سوابق فردی، خانوادگی،

۱. طبق ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴): «جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و هم‌چنین انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد، در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.» ماده مذکور، بر خلاف سیاستگذاری جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان می‌باشد. زیرا، دادگاه ویژه مذکور، از مصادیق دادگاه اطفال محسوب نمی‌شود و لازم است، قضات آن، شرایط قضات ویژه اطفال را دارا باشند. نحوه رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان در مواد ۴۰۸ تا ۴۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) پیش‌بینی شده است.

۲. تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ تحول مهمی در سیاستگذاری جنایی افتراقی شکلی محسوب می‌شود. به موجب ماده یک قانون یاد شده، برای رسیدگی به جرایم اطفال در حوزه هر دادگاه شهرستان یک یا چند دادگاه تشکیل می‌شود. مطابق ماده ۴ قانون یاد شده: «به کلیه جرایم اطفال که سن آن‌ها بیش از ۶ سال تمام و تا ۱۸ سال تمام است، طبق این قانون در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود.» قانون مذکور آیین دادرسی افتراقی درباره اطفال را ضمن مواد ۶ تا ۱۶ پیش‌بینی کرد. سیاستگذاری جنایی افتراقی درباره پاسخ به جرم در قانون مذکور در تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب رسیدگی به جرایم اطفال را صلاحیت دادگاه، به ترتیب، جایگزین زندان گردید. تبصره ماده ۱۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب رسیدگی به جرایم اطفال را صلاحیت دادگاه، به عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ دادگاه‌های عام را جایگزین محاکم قوقی و کیفری نمود. ولی، انتقادات گسترده به قانون مذکور و ایجاد اشکالات عدیده در نظام دادرسی، موجب گردید قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال ۱۳۷۸ به تصویب برسد. مواد ۲۱۹ تا ۲۳۰ قانون یاد شده، سیاستگذاری جنایی افتراقی شکلی را احیاء نمود. مطابق ماده ۲۲۰ قانون یاد شده، رسیدگی به جرایم افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال در صلاحیت دادگاه اطفال قرار گرفت. رویه قضایی نیز با صدور آرای متعدد، در راستای این گونه سیاستگذاری‌های مؤثرتری برداشت. از جمله می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۶۸۷ مصوب ۱۳۸۵/۳/۲ و ۶۵۱ مصوب ۱۳۷۹/۸/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اشاره کرد.

۳. برای بحث بیشتر درباره نظریه شخصیت به منبع مذکور صفحات ۵۳۴ تا ۵۳۸ رجوع نمایید.

۴. برای آگاهی بیشتر در رابطه با ارتباط اصل مذکور در قلمروی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان رجوع نمایید.

۵. Azimzadeh, Shadi, Haddadi, Ali: The effect of the personality file on the principle of separation of punishment with an emphasis on the criminal responsibility of children & adolescents, in: Encyclopedia of criminal responsibility, Mohsen Sharifi, pages 587-605, first edition, autumn 2019. Mizan Press [in Persian].

Shamlou, Baqer/Gozli, Mehdi: Personality case in Iranian & French criminal law, Journal of Criminal Law Teachings, No. 2, 2019, pages 80-105.

۵. بخشنامه شماره ۹۰۰/۸۲۹۰/۲/۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۶، در خصوص تشکیل پرونده شخصیت متهم مشتعل بر ۲۴ ماده و ۱۰ تبصره به انضمام پنج پرسشنامه در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۲۴ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید و طی روزنامه رسمی شماره ۲۱۷۰۳ مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۸ منتشر گردید.

اجتماعی، تحصیلی و وضعیت شغلی، اقتصادی، پزشکی و روانپزشکی و همچنین سوابق کیفری است که بر اساس مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ضوابط این دستورالعمل به منظور استفاده در اتخاذ تصمیم مناسب قضایی در کنار پرونده قضایی تشکیل می‌شود». پرونده شخصیت در بر دارنده گزارش مددکار اجتماعی درباره مشخصات فردی، وضعیت و سوابق خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اطفال و نوجوان می‌باشد. همچنین گزارش پزشکی و روانپزشکی آنان و پرسشنامه‌هایی که علل بزهکاری و انحراف، موقعیت مالی، خانوادگی و موضوعات دیگر را نشان می‌دهد، در پرونده شخصیت درج می‌گردد تا قاضی پرونده با ملاحظه موارد فوق تصمیم مقتضی را اتخاذ نماید. اصولاً پرونده شخصیت از مرحله آغازین تعقیب کیفری در دادسرا تشکیل می‌گردد. در صورتی که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح شده باشد، قبل از هرگونه اظهار نظر قاضی و اتمام تحقیقات لازم است، این پرونده تشکیل گردد. زیرا در نوع تصمیم اتخاذ شده، ممکن است مؤثر واقع شود. به همین جهت در قرار یا حکم صادره نیز باید به پرونده شخصیت استناد شود تا معلوم گردد که قاضی پرونده با توجه به محتوای پرونده مذکور تصمیم‌گیری مناسبی را اتخاذ کرده است. پرونده شخصیت باید محرمانه باقی بماند و مقامات قضایی حق افشاء آن را حتی در صورت حکم محکومیت ندارند.

### ب - واکنش‌ها (پاسخ‌ها)ی افتراقی

در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب جرم شوند، با توجه به ویژگی‌های خاص آن، پاسخ‌های متفاوتی نسبت به آن‌ها اتخاذ می‌شود. مجازات، آخرین راه برای پاسخ به جرم در مورد آن‌هاست. نوع مجازات نیز باید متناسب با ویژگی‌های خاص آنان، تعیین شود و از اعمال مجازات‌های بدنی درباره آنان خودداری گردد. اعمال مجازات‌های محدود یا سلب‌کننده آزادی درباره آنان نیز باید حداقل امکان محدود گردد. هدف از پاسخ به رفتارهای انحرافی و بزهکارانه اطفال و نوجوانان، اصلاح و بازپروری آن‌هاست. زیرا آنان در سنی قرار دارند که تأثیرپذیر بوده و در صورتی که در رژیم‌های تربیتی و آموزشی قرار گیرند، تغییر رفتار داده و به شهروندان مطیع قانون تبدیل می‌شوند. علت بزهکاری در مورد اطفال و نوجوانان در موارد متعددی عدم توانایی آنان در فهم و درک ارزش‌های جامعه و هم‌نوایی با آن‌هاست. همچنین عدم مهارت و آشنایی با حرفه، موجب جذب آنان به کانون‌های بزهکاری می‌شود. لذا، حمایت از آنان جهت توان بخشی و تأمین نیازهای آنان از قبیل مسکن، درمان، بهداشت و آموزش، می‌تواند به کاهش بزهکاری آنان کمک مؤثری نماید. لذا، سیاستگذاری جنایی افتراقی در باره آنان اعمال می‌شود، در این خصوص چند موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد.

### جداسازی فیزیکی

در صورتی که اطفال و نوجوانان به مجازات‌های سالب آزادی محکوم شوند، باید در مکان‌های جدای از بزرگسالان نگهداری شوند. در موارد متعدد قانون آیین دادرسی کیفری (۲۰۱۳) و قانون مجازات اسلامی (۲۰۱۳) سیاستگذاری جنایی افتراقی، مورد توجه قرار گرفته است. در کلیه مراحل دادرسی این سیاستگذاری افتراقی، اصلی استثناء‌ناپذیر است. امکان سوءاستفاده جنسی، آموزش بزهکاری توسط بزرگسالان و امکان ایراد هر گونه آسیب جسمی یا روحی با توجه به وضعیت اطفال و نوجوانان، مبنای این اصل را تشکیل می‌دهد. رعایت این اصل از مرحله پلیسی تا مؤسسات نگهداری ضروری است. متأسفانه به دلیل عدم تشکیل پلیس اطفال در ایران، اطفال و نوجوانان در کلانتری‌ها در معرض آسیب‌های جدی قرار دارند. ولی در لایحه تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان این نقص جبران شد. در تبصره ماده ۲۲ لایحه مذکور آمده است: «علاوه بر مقررات مربوط به تحت نظر نگه داشتن متهم، رعایت موارد زیر نیز در مورد طفل یا نوجوان تحت نظر الزامی است: ۱- نگهداری جداگانه از بزرگسالان ۲- رعایت ملاحظات قانونی و شرعی در شرایط نگهداری، شیوه‌های رفتاری و اعزام و بدرقه آنان به دیگر مراجع، به تناسب سن، جسم و جنسیت ۳- استفاده از پلیس زن در مورد تحت نظر قرار دادن دختران و اطفال زیر (۱۲) سال». چنانچه در دادسرا یا دادگاه نیز نگهداری موقت برای اطفال و نوجوانان بالای ۱۵ تا ۱۸ سال ضرورت پیدا کند، طبق عبارت پایانی ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۲۰۱۳)، مرجع قضایی مکلف است قرار نگهداری موقت آنان را در قانون اصلاح و تربیت صادر کند. بدین ترتیب نگهداری اطفال و نوجوانان، هر چند به صورت موقت، همراه با بزرگسالان و در خارج از قانون اصلاح و تربیت،



ممنوع است. قسمتی از ماده ۱۷ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی در این باره آمده است: «بازداشت شدگان محاکمه نشده باید جدا از نوجوانان محکوم شده نگهداری شوند».

### ممنوعیت مجازات‌های بدنی

سیاست‌گذاری جنایی افتراقی مستلزم عدم اعمال هر نوع مجازات بدنی در باره آنان با توجه به سن، شخصیت و وضعیت آنان است. این گونه مجازات‌ها، آسیبی فراتر از نقص یا آسیب جسمی وارده به آن‌ها را ایجاد می‌کند و ممکن است، زمینه بزهکاری مجدد یا بزه‌دیدگی آنان را در آینده ایجاد نماید. در راستای همین سیاست، قانون مجازات اسلامی (۲۰۱۳) نسبت به حذف مجازات شلاق در کلیه جرایم تعزیری افراد کمتر از ۱۸ سال اقدام نمود. در واکنش و پاسخ نسبت به جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان، اثری از مجازات‌های بدنی دیده نمی‌شود. طبق ماده ۹۱ قانون مذکور، در جرایم مستوجب حد و قصاص اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال نیز چنانچه عدم رشد مرتکب اثبات گردد، هر نوع مجازات بدنی ممنوع است. به عبارت دیگر، مجازات‌های بدنی را به اشخاص بالغ و رشید محدود ساخته است.

### واکنش‌های غیرتنبیهی

سیاست‌گذاری جنایی افتراقی در باره اطفال و نوجوانان، مستلزم واکنش‌های غیر تنبیهی یا اقدامات تأمینی و تربیتی است که به طور گسترده‌ای در قانون مجازات اسلامی (۲۰۱۳) با توجه به گروه سنی، متناسب با جرم ارتكابی بازتاب یافته است. برای گروه سنی ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی فارغ از جنسیت، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی در جرایم تعزیری اعمال می‌شود. در جرایم حدی و قصاص نیز در صورت عدم بلوغ همین سیاست اتخاذ شده است ولی در صورت بلوغ، وفق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی (۲۰۱۳) در باره آن‌ها رفتار خواهد شد. واکنش‌های غیر تنبیهی که در مواد ۸۸ عنوان شده است، شامل تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی، با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان، تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی، در صورت فقدان یا عدم صلاحیت آنان، نصیحت به وسیله قاضی دادگاه، اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت. در مورد گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی، در صورت ارتكاب جرم تعزیری، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، خدمات عمومی رایگان و پرداخت جزای نقدی، وفق ماده ۸۹ قانون یاد شده، پیش‌بینی شده است. اهم واکنش‌های غیر تنبیهی که واجد جنبه‌های اصلاحی و تربیتی هستند، در بندهای بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد.

### تعهد به مواظبت و مراقبت

اطفال و نوجوانان، توانایی‌های لازم برای فراگیری هنجارها و عمل به آن را ندارند و لازم است تحت آموزش و مراقبت توسط والدین یا سرپرستان قانونی خویش قرار داشته‌باشند و بدین وسیله از آنان مراقبت به عمل آید. در صورت ارتكاب جرم توسط آنان به ویژه برای بار اول و جرایم کم اهمیت مانند ضرب و جرح، اهانت، فحاشی، سرقت‌های جزئی از فروشگاه، مصرف مواد مخدر و نظایر آن‌ها، پاسخ و واکنش مناسب، تحویل آنان به والدین یا سرپرستان قانونی و تعهد به مراقبت و مواظبت از آنان است: «نظریه مواظبت بر دو اصل کلی مبتنی است: نخست - سرپرست یا کسی که مواظبت از کودک را برعهده

۱. «پذیرش نگاه فازی و اعمال این نگرش در بحث سن مسئولیت کیفری، می‌تواند مدرج سازی مسئولیت کیفری و پاسخ‌دهی و مجازات مرتکبان، بر اساس رده سنی آنان را شکل داده و انسجام در عملکرد قانون‌گذار و قضات را به سمت اعمال سیاست کیفری افتراقی هدایت کند».

Abuzari, Mehrnoosh: Fuzzy attitude in the area of age of criminal responsibility, Judiciary Legal Journal, year 83, number 108, winter 2019, pp. 1-3 [in Persian].

برای مطالعه در باره منطق فازی رجوع نمایند:

Abuzari, Mehrnoosh: Application of fuzzy logic in Iranian criminal law, first edition, 2016, Mizan Publishing.

۲. برای آگاهی بیشتر از نظریه مواظبت (Caretaker Theory) رجوع نمایید:

Abed Khorasani, Mahmoud Reza: An introduction to children's rights, second edition, Press, 2022 [in Persian]

دارد، به جای کودک تصمیم بگیرد. دوم - باید به سرپرست آموزش داد تا چگونه برای کودک تصمیم‌گیری کند» (Abed Khorasani, 2022: 46). مواظبت و مراقبت از اطفال و نوجوانان، موجب بازپذیری آنان و عدم بازگشت به بزهکاری می‌گردد؛ به همین جهت از دیرباز به عنوان یکی از مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی، جایگزین پاسخ‌های تنبیهی درباره آنان شده است. بر همین اساس در بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی (2013) در خصوص مرتکبان جرایم تعزیری ۹ تا ۱۵ سال تمام شمس‌ی آمده است: «تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان». تسلیم به والدین یا سرپرستان قانونی، ممکن است همراه با الزام به فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی باشد. همچنین ممکن است آنان ملزم به معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی، روان‌شناس و یا سایر متخصصان یا اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل باشد. همین واکنش در خصوص مرتکبان جرایم تعزیری ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمس‌ی، در صورت احتمال اصلاح طفل یا نوجوان امکان‌پذیر است. در صدر ماده ۹۰ قانون یاد شده آمده است: «دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک‌بار در رأی خود تجدیدنظر کند، ... یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان، به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید». رضایت طفل یا نوجوان در این باره ضروری است. به همین جهت تبصره ماده ۸۸ قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «تسلیم طفل به اشخاص واجد شرایط صلاحیت منوط به قبول آن‌هاست». در صورت عدم صلاحیت والدین یا سرپرستان قانونی یا عدم دسترسی به آنها، براساس بند ب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی (2013)، می‌توان طفل و نوجوان را به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر دارای صلاحیت تسلیم نمود. مواظبت و مراقبت، محدود به جنبه‌های آموزشی و تربیتی نمی‌باشد. ممکن است با استفاده از روش‌های پیشگیری وضعی از جرم، مراقبت لازم از طفل و نوجوان به عمل آید تا در معرض بزهکاری قرار نگیرد. مانند ممانعت و جلوگیری از ارتباط طفل و نوجوانان با افرادی که ممکن است، موجب انحراف آنان شوند. یا جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین، مانند اماکن جرم‌خیز یا اقامت اجباری در یک مؤسسه ترک اعتیاد، بیمارستان یا هر مکان مناسب دیگری که موجب درمان، بازپروری، آموزش اجباری یا عدم ارتباط با افراد منحرف می‌گردد.<sup>۳</sup>

## کیفرزدایی<sup>۴</sup>

سیاست‌گذاری جنایی افتراقی در باره اطفال و نوجوانان، آسان‌گیرانه است. کیفرزدایی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری جنایی افتراقی در باره اطفال و نوجوانان است. مثلاً در حالی که تعویق صدور حکم و اجرای مجازات درباره بزرگسالان فقط در برخی از جرایم<sup>۵</sup> و با شرایط خاصی امکان‌پذیر است، طبق ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی (2013)، «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند». قاعده ارفاقی دیگر در باره اطفال و نوجوانان در ماده ۹۵ قانون یاد شده پیش‌بینی گردیده است: «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است». قواعد فوق در راستای اعطای فرصت دوباره به اطفال و نوجوانان برای اصلاح و بازگشت به جامعه است. در دوره تعویق صدور حکم یا اجرای مجازات، امکان بازپذیری آنان وجود دارد. به ویژه در تعویق مراقبتی، تدابیر

۱. حق آموزش، از حقوق مسلم هر شهروندی است که در اسناد بالا دستی، داخلی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. برای آگاهی در این باره، رجوع نمایید:

Abuzari, Mehrnoosh, Davodi, Mehdi: Educational policies & citizenship rights of children in Iran, Public Policy Quarterly, Volume 7, Number 3, Autumn 2021, Pp. 175-191 [in Persian]

۲. «کودک را می‌توان به روش‌های گوناگون پرورش داد و هرکدام از این روش‌ها که امروز نسبت به کودک اعمال می‌شود، فردا او را به شخص دیگری مبدل خواهد کرد. حال اگر همین کودک را به جای فرستادن به دبستان به کار در نجاری وا داریم، ممکن است در آینده او نجار ماهری شود. ولی اگر همین کودک را به دبستان، دبیرستان و سپس دانشگاه بفرستیم، می‌توان مهندس، پزشک، اقتصاددان یا حقوق‌دان اولیه خوبی شود.» (Abed Khorasani, 2022: 47).

۳. برای آگاهی از پیشگیری وضعی رجوع نمایید:  
Shiri, Abbas: Situational prevention, in: collection of the articles of First National Crime Prevention Conference - Volume 1, Naja Applied Research Office of Prevention, first edition, autumn 2010 [in Persian].

۴. «مفهوم کیفرزدایی، شامل کلیه اشکال تراکم‌زدایی از سیستم کیفری می‌شود ... این موضوع در مورد کیفرهای سالب آزادی، آنگاه که ضمانت اجراهای دیگری که دارای آثار منفی کمتر یا دارای اثرات جنایی کمتری هستند (مانند جزای نقدی، تعلیق مراقبتی و یا قرارهای خاص دادگاه و غیره) جایگزین آن‌ها می‌شوند، نیز صادق است.» (Mehra, 1997-1998)

۵. هرچند در خصوص کیفرزدایی از جرایم اطفال و نوجوانان، در اسناد بالادستی اثری دیده نمی‌شود. ولی در بند ۳-ت ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵/۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی، قضاوت را ملزم به استفاده از تأسیس‌های جدید کیفری، مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم و آزادی مشروط به عنوان مصادیق کیفرزدایی نموده است.

۶. این محدودیت‌ها و شرایط در مواد ۴۰، ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) پیش‌بینی شده است.

مناسبتی جهت بازپذیری اطفال و نوجوانان بزهکار می‌تواند، به کار گرفته شود. مانند حرفه آموزی، اشتغال به حرفه‌ای خاص، درمان بیماری، ترک اعتیاد، گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی. سیاست جنایی افتراقی درباره قواعد تخفیف مجازات اطفال و نوجوانان اعمال می‌گردد و طبق ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی (2013): «دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید».

### قضازدایی

ساز و کارهای شناخته شده در نظام عدالت کیفری رسمی، با برچسب‌زنی به افراد همراه است. برچسب بد زدن، ننگ بدنامی، داغ ننگ و تعابیری مانند آن، از نتایج رسیدگی‌های کیفری تنبیهی است که با توجه به معیارهای سن، طبقه، نژاد و جنسیت؛ میزان تأثیر این برچسب‌زنی‌ها، متفاوت خواهد بود. از اولویت‌های سیاست‌گذاری جنایی افتراقی درباره اطفال و نوجوانان، قضازدایی است. استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی<sup>۱</sup> و با مشارکت جامعه مدنی و نهادهای غیررسمی به جای استفاده از نهادهای رسمی عدالت کیفری، از محورهای مهم سیاست‌گذاری جنایی است. هر چند در ایران، نظام عدالت کیفری، قضازدایی در رجوع به نهادهای غیر رسمی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و عملاً تمایلی به ارجاع به نهادهای مدنی مشاهده نمی‌شود. جانستون، فرآیند برچسب‌زنی<sup>۲</sup> را برگشت‌ناپذیر دانسته و معتقد است اشخاصی که برچسب منحرف خورده‌اند، خود را از تعامل اجتماعی طبیعی‌شان بریده شده می‌بینند و در نتیجه، مشارکت در خرده فرهنگ‌های منحرف را جستجو می‌کنند؛ یعنی جایی که به موقعیت منحنی آن‌ها به دیده یک خصیصه مثبت نگریسته می‌شود نه منفی. (JOHNSTON: 92) در واقع برچسبی که به دلیل اعمال کیفر بر بزهکار زده می‌شود، خود بزرگ‌ترین مانع برای اصلاح وی خواهد بود.

### جرم‌زدایی

جرم‌زدایی، فرآیندی است که به موجب آن، برچسب بزهکاری از رفتارهای ارتكابی برداشته می‌شود. ممکن است رفتارهای ارتكابی تحت عنوان انحراف یا آسیب‌های اجتماعی تلقی شود و از قلمروی حقوق کیفری با پاسخ‌های تنبیهی و سرکوب‌گر خارج شود. در فرهنگ سیچ در این باره آمده است: از دیدگاه اصطلاحات سیاست‌گذاران، جرم‌زدایی به معنای آن است که وقتی با مشکلات و اختلافات اجتماعی که به عنوان مسأله‌ای از جرم، مطرح هستند، روبه‌رو هستیم، سیاست‌گذاری اجتماعی، به جای سیاست‌گذاری جنایی مورد نیاز است (The SAGE Criminology: 247). در بند چ ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی در این باره آمده است: «در اجرای سیاست بازنگری در قوانین جزایی و با هدف کاهش عناوین مجرمانه قوه قضاییه مکلف است به منظور بازنگری در مصادیق عناوین مجرمانه سالب حیات با توجه به تغییر شرایط کاهش عناوین مجرمانه و استفاده از ضمانت اجراهای انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرایم، نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین جزایی با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ و اصلاحات بعدی آن اقدام و حداکثر تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه اقدامات قانونی مورد نیاز را به عمل آورد». بند یاد شده، اختصاص به اطفال و نوجوانان ندارد ولی سیاست‌های جرم‌زدایی و قضازدایی را مورد توجه قرار داده است. به کارگیری این سیاست‌ها درباره اطفال و نوجوانان، با توجه به ویژگی‌های خاص آنان نسبت به بزرگسالان،

۱. تعویق صدور حکم در قلمروی ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) نیز امکان‌پذیر است. زیرا مجازات تعیین شده برای افراد غیر رشید، تعزیری است. لذا، شامل اطلاق ماده ۹۴ قانون یاد شده نیز می‌شود. این نظر، با اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری سازگار است. ولی برخی از حقوق‌دانان، معتقدند قاعده ارفاقی مذکور، در مورد ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) اعمال نمی‌شود. در این باره رجوع نماید: نیازپور، امیرحسین: حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، صفحات ۱۳۶ و ۱۳۷.

۲. برای آگاهی از عدالت ترمیمی، رجوع نماید:

Shiri, Abbas: Restorative Justice, third edition, Mizan Press, 2022 [in Persian]

۳. بسیاری از جرم‌شناسان رد پای نظریه برچسب‌زنی را به کتاب «جرم و اجتماع» (۱۹۳۸) اثر تاتنوم باز می‌گردانند. برخی دیگر اریکسون را مبتکر نظریه فوق می‌دانند. برای مطالعه بیشتر در این باره رجوع نماید:

Shiri, Abbas: Restorative Justice, third edition, Mizan Press, 2022, pp. 179-181 [in Persian].

Williams, Frank P., McShane, Mary Lynn D.: Theories of Criminology, translated by Hamidreza Malek Mohammadi, 7th edition, 2018, Mizan Press, p. 196 [in Persian]

۴. قانون مذکور با اصلاح مواردی در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

اهمیتی دو چندان دارد. به همین جهت در بند ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک (1989) آمده است: «وضع مقرراتی در باره رفتار با کودکان نقض کننده قانون بدون توسل به دادرسی‌های قضایی». ماده ۱۱ قطع‌نامه حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی نوجوانان (مصوب ۱۹۸۵) نیز مقرر می‌دارد: «توسل به روش‌های فرا قضایی و در حد مقدور، بدون توسل به مراجع رسمی»، ارجاع به روش‌های فرا قضایی، ممکن است از طریق جرم‌زدایی یا قضازدایی صورت پذیرد. زیرا، قرار گرفتن تحت رژیم دادرسی رسمی (Formal Justice)، بر اساس نظریه برجسب‌زنی، زمینه انحراف ثانویه و بازگشت به بزهکاری را در اطفال و نوجوانان افزایش خواهد داد.

## نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری جنایی افتراقی درباره اطفال و نوجوانان در قوانین بالادستی، سیاست‌های کلی نظام، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، قوانین بودجه سنواتی، مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است. موارد مرتبط با بزهکاری اطفال و نوجوانان در این اسناد اندک است ولی قانون مجازات اسلامی (2013) و قانون آیین دادرسی کیفری (2013 & next amendments)، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۳/۲۲ و لایحه تشکیل پلیس اطفال، ابعاد مهمی از سیاست‌گذاری جنایی افتراقی را بازتاب داده و گام‌های مؤثری در این باره برداشته است. هر چند، به نظر می‌رسد، هنوز تردیدهای فقهی مانع از پذیرش افتراقی‌سازی در این قلمرو، متناسب با وضعیت اطفال و نوجوانان و تحولات بین‌المللی است. بدین توضیح که معیار بلوغ شرعی به جای سن مسئولیت کیفری در جرایم حدی و قصاص، مبنای سیاست‌گذاری جنایی ایران است. به همین جهت، مجازات‌های بدنی در باره افراد کمتر از ۱۸ سال، در حقوق کیفری ایران، اجرا می‌شود. پذیرش معیار رشد کیفری در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی (2013)، گام مؤثری برای تعدیل معیار بلوغ شرعی در مسئولیت کیفری است و موجب گردیده، در پرونده‌های متعددی، جرایم حدی و قصاصی، با توجه به عدم احراز رشد مرتکب به مجازات‌های تعزیری غیربدنی تبدیل گردد که تحوّل مهمی محسوب می‌شود. رویه قضایی نیز تمایل خود را به عدم اعمال مجازات‌های بدنی، با توجه به تفسیر موسع ماده ۹۱ یاد شده به نفع اطفال و نوجوانان و استفاده از قواعد فقهی درء و احتیاط در دماء، ابراز داشته است. لازم است، در سیاست‌های کلی نظام در این خصوص بذل توجهی ویژه شود و یک سند مستقل در باره بزهکاری اطفال و نوجوانان در قلمروی شکلی و ماهوی تنظیم و ابلاغ گردد. در سایر اسناد بالادستی مانند برنامه‌های توسعه پنج ساله و قوانین بودجه سنواتی نیز تنظیم و تصویب قوانین مستقل در باره سیاست‌گذاری جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان، با توجه به کاهش سن بزهکاری و افزایش تکرار جرم اطفال و نوجوانان در ایران ضروری است. به ویژه با توجه به اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه، خصوصاً پیمان نامه حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹) که ایران به آن ملحق شده است، اهمیت تنظیم این اسناد دو چندان می‌باشد. بر اساس ماده ۱۲ پیمان‌نامه مذکور: «۱- هر کشور عضو ظرف مدت دو سال پس از لازم‌الاجرا شدن پروتکل برای آن کشور عضو، گزارشی را که در بردارنده اطلاعات جامع در خصوص اقدامات به عمل آمده، برای اجراء مفاد پروتکل است به کار گروه (کمیته) حقوق کودک ارائه خواهد نمود. ۲- هر کشور عضو متعاقب ارائه گزارش جامع، هر گونه اطلاعات بیشتر در خصوص اجراء پروتکل را در گزارشی که طبق ماده (۴۴) کنوانسیون به کار گروه (کمیته) حقوق کودک ارائه می‌کند، خواهد گنجاند. دیگر کشورهای عضو پروتکل هر پنج سال، یک گزارش ارائه خواهد نمود». هم‌چنین بر اساس ماده ۴۳ کنوانسیون مذکور، کمیته‌ای در مورد حقوق کودک تشکیل خواهد شد. در بند ۲ اصلاحی ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیته‌ای هجده نفره در این خصوص تشکیل می‌گردد. ایران نیز قطعنامه شماره ۵۰/۱۵۵۰/الف سازمان ملل متحد را به موجب ماده واحده مصوبه مجلس پذیرفت و متعهد شد اسناد مربوطه را تسلیم نماید. بدین ترتیب، مواردی که نقض مفاد کنوانسیون حقوق کودک محسوب می‌شود، مانند اعدام افراد زیر ۱۸ سال یا سایر مجازات‌های بدنی در حق آنان، همواره در گزارشات مربوط منعکس می‌گردد. لذا، لازم است یک طرح جامع در این باره، تحت عنوان سیاست‌های کلی نظام در قلمروی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، تنظیم و ابلاغ گردد و متعاقباً قوانین عادی متناسب با آن اصلاح گردد.

## References:

- 1- Abed Khorasani, Mahmoud Reza: An introduction to children's rights, second edition, Press, 2022 [in Persian].
- 2- Abuzari, Mehrmoosh, Davodi, Mehdi: Educational policies & citizenship rights of children in Iran, Public Policy Quarterly, Volume 7, Number 3, Autumn 2021, Pp. 175-191 [in Persian].
- 3- Abuzari, Mehrnoosh: Fuzzy attitude in the area of age of criminal responsibility, Judiciary Legal Journal, year 83, number 108, winter 2019, pp. 1-3 [in Persian].
- 4- Azimzadeh, Shadi, Haddadi, Ali: The effect of the personality file on the principle of separation of punishment with an emphasis on the criminal responsibility of children & adolescents, in: Encyclopedia of criminal responsibility, Mohsen Sharifi, pages 587-605, first edition, autumn 2019. Mizan Press [in Persian].
- 5- Barani, Mohammad: Investigation of the role of police authorities & behavior in the special judgment of children & adolescents, Journal of Police Science, year 21, number 1, pages 1 to 28, spring 2019 [in Persian].
- 6- Code of Conduct for Law Enforcement officials, G.A.res. 34/169, annex, 34, U.N GAOR SUPP (46) at.186, U.N. A/34/464. (1979)
- 7- Convention on the Rights of the Child, 1989
- 8- Jehnstone, Jerry: Restorative Justice, Values, Debates, Willan publishing, 2002, USA & CANADA.
- 9- Khajeh Nouri, Yasaman: Criminal policy regarding delinquent children & teenagers, pp. 613-616. Laia Joneidi & Amirhasan Niazpour, first edition, printing & publishing department of the president for compiling, revising & publishing presidential laws & regulations, autumn 2020 [in Persian].
- 10- Koshki, Gholam Hassan: Special police for children & teenagers (necessities & functions), first edition, Judiciary Press & Publishing Center, 2015 [in Persian].
- 11- Lazerges, Christine: Introduction a la politique criminelle, translated by Dr. Ali Hossein Najafi Abrandabadi, 9th edition, ۲۰۲۱, Mizan Press [in Persian].
- 12- McLaughlin, Eugene/Muncie, John: The Sage Dictionary of Criminology, fourth edition published, 2019, SAGE Publication Ltd, London.
- 13- Mehra, Nasrin: An introduction to decriminalization, introduction to the report: "Special European Committee on Crime Problems", Journal of Legal Research, No. 21-22, pages 301-311, 1997-1998 [in Persian].
- 14- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein: The differentiation in criminal policy, in: An introduction to crime policy, by: Christine Lazerges, translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, pages 53-63, 9th edition, 2021, Mizan Press [in Persian].
- 15- Niazpour, Amir Hassan: Criminal Law of Children & Adolescents, first edition, Mizan Press, 201۴ [in Persian].
- 16- Niazpour, Amirhasan: Differentiation of the authorities dealing with the crimes of children & adolescents in the field of crime policy of Iran, in: Crime policy & delinquent & victim children & juveniles, by: Hosseinpour Mohi-abadi, pages 250-266, first edition. Mizan Press, winter 2016 [in Persian].
- 17- Rezvani, Soudabeh, Taherian, Milad: Decriminalization in the criminal justice of children & adolescents with an emphasis on international documents & Iran's criminal system, the article presented in the national conference of Iran's criminal policy regarding delinquency & victimization of children & adolescents, Kerman, 2014 [in Persian].
- 18- Shiri, Abbas: Repetition of the crime, in the dynamic criminal law, pages 130-156, first edition, Mizan Press 2022 [in Persian].
- 19- Shiri, Abbas: Restorative Justice, third edition, Mizan Press, 2022 [in Persian].
- 20- Shiri, Abbas: Situational prevention, in: collection of the articles of First National Crime Prevention Conference - Volume 1, Naja Applied Research Office of Prevention, first edition, autumn 2010 [in Persian].
- 21- Shiri, Abbas: The rights & needs of the victim in the police phase, Quarterly of Police Knowledge Research, pages 191-219, year 20, number 2, summer 2018 [in Persian].
- 22- Shiri, Abbas: Treating the victim with dignity during the trial stage, in: "Encyclopedia of Criminal Sciences", book 2, under the supervision of Ali Hossein Najafi Abrandabadi, pages 425-462, second edition, Spring 2016, Mizan Press [in Persian].
- 23- Shiri, Abbas: Treating the victim with dignity, granting authority during the investigation & prosecution stage, in: Criminal Science initiatives, book one, under the supervision of Ali Hossein Najafi Abrandabadi, pages 437-464, second edition, autumn 2013, Mizan Press [in Persian].
- 24- United Nations Rules for the Protection of Juveniles Deprived of their Liberty (JDLS): resolution/adopted by the General Assembly, 1990 Un.org.
- 25- United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (the Beijing Rules), 1985
- 26- United Nations, Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency (The Riyadh Guidelines)
- 27- Williams, Frank P., McShane, Mary Lynn D.: Theories of Criminology, translated by Hamidreza Malek Mohammadi, 7th edition, 2018, Mizan Press [in Persian].